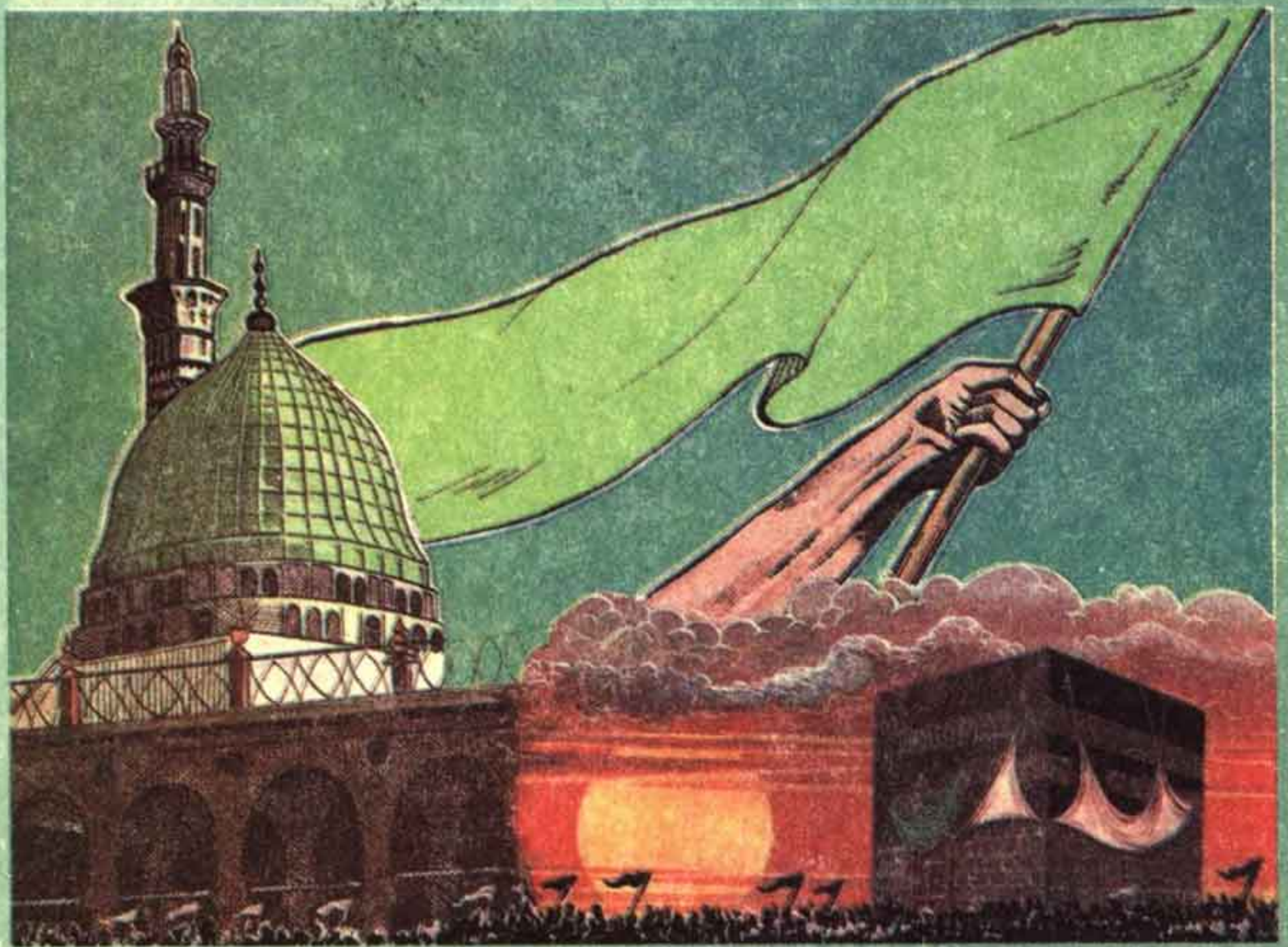


آشنایی با چهارده معصوم

زندگانی

امام دوازدهم



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



آشنایی با چهارده معصوم (ع)

زندگانی امام دوازدهم

حضرت امام مهدی (علیه السلام)

ساده نویسی شده از کتاب پیشوای دوازدهم، مؤسسه در راه حق

خواننده عزیز،

سازمان نهضت سوادآموزی قسمتهایی از
زندگانی پربرکت و سراسر نور و هدایت
چهارده معصوم (ع) را به صورت ساده در
چهارده جلد تهیه کرده و در اختیار شما
خوانندگان عزیز قرار می دهد.

امیدواریم، ان شاء الله این مجموعه نفیس،
هدیه باارزشی برای شما خواننده گرامی باشد
و نور معرفت و آگاهی را در دل شما بتاباند.
والسلام

تهیه شده در دفتر تحقیق و تألیف کتب درسی سازمان نهضت سوادآموزی

چاپ سوم ۱۳۷۵

فهرست کتاب

صفحه	عنوان
۲	امام مهدی (عج)
۵	پنهان بودن تولد امام
۸	غیبت کوتاه و غیبت طولانی
۱۰	ارتباط مردم با امام زمان در زمان غیبت
۱۱	اثرهای خوب غیبت
۱۳	فایده‌های انتظار
۱۴	امت‌تان بزرگ
۱۵	امام در میان مردم
۱۵	یک داستان شنیدنی
۲۳	وقت ظهور
۲۵	وظیفه ما در زمان غیبت

مقدمه

خداوند ما را آفرید و راه خودش را به وسیله پیامبران و امامان به ما شناساند، ما باید پیامبر و امامان خود را بشناسیم تا با علاقه به سخنانشان گوش دهیم. ما خدا را از راه عقل و فکر می‌شناسیم و با پیامبر و امام از راه معجزه و قرآن آشنا می‌شویم، پیروی از امام مثل پیروی از خدا و رسول، بر همه ما واجب است. در این مجموعه از کتابها با گوشه‌هایی از زندگانی امامان عزیز آشنا می‌شویم.

امام، یک انسان کامل است و بهترین مخلوق خداست. همه خوبیها و ارزشها در امام وجود دارد. امام از هرگونه گناه دور است و با اراده خداوند، از علم غیب خبر دارد، با طاغوت مبارزه می‌کند و از شهادت نمی‌ترسد. دعای او مستجاب می‌شود، انسانها را آموزش می‌دهد و راه خدا را به آنان نشان می‌دهد. امام را باید خدا تعیین کند. پیامبر اکرم (ص) به فرمان خدا، امامان را یکی پس از دیگری برای ما معلوم کرده است. اول آنان حضرت علی علیه السلام است که در غدیر خم به امامت رسید و آخر آنان

امام زمان علیه السلام است. که مثل خورشید پشت ابر پنهان است.

همه امامان ما در راه خدا شهید شدند. در این زمان که دست ما به امام زمان علیه السلام نمی‌رسد، به دستور او باید به علما و مجتهدین عادل مراجعه کرد. کسی که سخن مجتهد عادل را قبول نکند مثل این که حرف امام را قبول نکرده است و هر کس حرف امام را نپذیرد مانند کسی است که سخن پیامبر و خدا را نادیده گرفته است.

ولایت فقیه یعنی مراجعه به مجتهد عادل. از روزی که در ایران مردم ولایت و حکومت فقیه را پذیرفتند شاه را سرنگون کردند و از آمریکا و هیچ دشمن دیگری نترسیدند.

محسن قرائتی

﴿ امام دوازدهم ﴾

امام مهدی (علیه السلام)

در سحرگاه روز جمعه ۱۵ شعبان سال ۲۵۵ در شهر سامرا
نوزادی متولد شد که نامش را مهدی گذاشتند.

نام پدر بزرگوار این نوزاد امام عسکری (ع) و نام مادرش
بانویی با ایمان به نام نرجس بود.

خبر این نوزاد را رسول خدا (ص) و امامان داده بودند.
این امام بزرگوار، بعد از تولد، دو دوره از نظرها پنهان شد:
دوره اول غیبت کوتاه^(۱) و دوره دوم غیبت طولانی^(۲).

مسلمانها اعتقاد دارند که روزی به خواست خدا حضرت
مهدی (ع) ظهور و قیام می کند.

باید دانست بیشتر دینهای دنیا به وجود رهبری نجات بخش اعتقاد دارند. پیروان دین یهود، پیروان حضرت عیسی، زردشتیها و هندوها مثل ما مسلمانها در انتظار انسان بزرگی هستند که به زودی می آید تا با ظلم و فساد بجنگد و دنیا را پر از عدالت و درستی کند.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «ما، در زبور داوود و تورات موسی نوشتیم که بندگان شایسته ما وارث زمین خواهند شد. همچنین در قرآن می خوانیم: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند وعده داده است که آنها را در زمین خلیفه و جانشین سازد.

اعتقاد به مهدی موعود (عج) در میان مسلمانان

پیغمبر اسلام و همه امامان ما درباره حضرت مهدی سخنان فراوانی گفته اند. آنها هر وقت فرصت مناسبی پیش می آمد درباره غیبت طولانی، قیام مهدی (عج) و نشانه های مهم دیگری که به حضرت مهدی (عج) مربوط می شد خبر داده اند. در حقیقت مسلمانها از همان شروع تاریخ اسلام می دانستند که روزی مهدی (ع) قیام می کند و مظلومان را

نجات می دهد. مخصوصاً شیعیان و دوستداران اهل بیت در همان وقت که از امامان معصوم پیروی می کردند، منتظر ظهور امام مهدی (ع) هم بودند.

پیغمبر (ص) فرمود: قیامت بر پا نمی شود، مگر آن که مردی از اهل بیت من که اسم او اسم من است، کارها را در به دست بگیرد.

همچنین رسول خدا فرمودند: «قائم (امام قیام کننده) از اولاد من، اسم او اسم من، لقب او لقب من، شکل او کاملاً شبیه به شکل من، سنت و روش او، سنت و روش من است. او مردم را به راه من و کتاب خدا دعوت می کند. هر کسی از او اطاعت کند از من اطاعت کرده و هر کسی با او مخالفت کند با من مخالفت کرده است. هر کسی غیبت او را انکار کند مرا انکار کرده است.»

امام زین العابدین (ع) فرمود: «امام قائم ما شباهتهایی به همه پیغمبران دارد:

در عمر طولانی به حضرت نوح (ع) شبیه است.

در پنهان بودن تولد مانند ابراهیم (ع) است.

مثل موسی برای مدتی غایب می شود.

مثل عیسی (ع) مردم درباره ایشان اختلاف نظر دارند.
مثل محمد (ص) به شمشیر دست می برد و ظالمان و
فاسدان را نابود می کند.
مثل ایوب بعد از تحمل گرفتاریها و رنجها پیروز
می شود.»

پنهان بودن تولد امام

خلیفه های ستمگر بنی عباس و بنی امیه از هیچ گونه
سختگیری نسبت به امامان پاک ما کوتاهی نمی کردند. این
آزارها و اذیتها مخصوصاً از زمان امام صادق (ع) شدت
بیشتری پیدا کرد.

چون مردم، خاندان رسول خدا را دوست داشتند و علاقه
و احترام آنها نسبت به این پیشوایان بزرگوار روز به روز
بیشتر می شد، برای همین خلیفه های عباسی حکومت
خودشان را در خطر نابودی می دیدند. عباسیان شنیده بودند
که مهدی (ع) از نسل پیغمبر، از خاندان امامان و فرزند امام
حسن عسکری است. او دنیا را پر از عدل می کند. عباسیان
امام عسکری را به سامرا آوردند و ایشان را زیر نظر داشتند.

آنها کوشش می کردند تا از تولد این کودک جلوگیری کنند، اما خدای بزرگ اراده کرد که این نوزاد مبارک متولد شود و همه تلاشهای دشمنان بی اثر بماند.

خداوند تولد حضرت مهدی (ع) را مثل تولد حضرت موسی (ع) و حضرت ابراهیم از چشم این ناپاکها دور کرد. در حالی که دوستان و یاران بسیار نزدیک امام حسن عسکری (ع) فرزند ایشان را دیده بودند.

بعد از شهادت امام عسکری (ع)، مردم مهدی موعود (ع) را دیدند. ایشان بر جنازه پدر نماز خواندند و بعد از نظرها پنهان شدند.

۶

وقتی حضرت مهدی (ع) به دنیا آمد، تا زمان شهادت پدرش، دوستان و فامیل نزدیک، او را در خانه پدر می دیدند. امام عسکری (ع) برای حفظ جان فرزندش، حضرت مهدی (ع) را پنهان می کرد، اما هر وقت فرصت مناسبی پیش می آمد، وجود مبارک او را به دوستان مورد اطمینان خود نشان می داد تا آنها به همه شیعیان بگویند و در آینده به گمراهی نیفتند.

احمد بن اسحاق یکی از بزرگان شیعه و از یاران نزدیک

امام عسکری (ع) بود. او می گوید: به خدمت امام
عسکری (ع) رسیدم، می خواستم بپرسم چه کسی جانشین
شما می شود. هنوز سؤال نکرده بودم که حضرت فرمود:
«ای احمدا خدای بلند مرتبه، از همان وقت که انسان را
آفرید، زمین را از حجّت (امام و راهنما) خالی نگذاشت و تا
قیامت هم خالی نمی گذارد. به خاطر وجود مبارک امام است
که خداوند بلا را از زمین دور می کند، باران می بارد و نعمتها
و برکتهای زمین آشکار می شود.»

پرسیدم: «ای پسر رسول خدا؛ جانشین بعد از شما

۷

کیست؟»

امام با عجله به داخل خانه رفت. وقتی برگشت پسر سه
ساله ای که صورتی زیبا مثل ماه داشت بر دوش ایشان بود.
فرمود: «اگر پیش خدا عزیز نبودی، پسر مرا به تو نشان
نمی دادم. اسم و لقب او اسم و لقب رسول خداست. او زمین
را از حق و عدالت پر می کند، همان طوری که از ظلم و ستم
پر شده است. ای احمدا! به خدا قسم او از نظرها پنهان
می شود و در زمان غیبت تنها کسانی نجات پیدا می کنند که
امامت او را قبول می کنند. آنها بر این اعتقاد محکم و استوار

هستند و برای ظهور او دعا می‌کنند.»

پرسیدم: «آیا نشانه‌ای دارد که دلم به آن اطمینان بیشتری

پیدا کند؟»

در جواب من آن پسر کوچک به زبان عربی فرمود: «من

بقیة الله در زمین هستم. همان کسی که از دشمنان انتقام

می‌گیرد. ای احمد! وقتی چیزی را با چشم خودت می‌بینی

به دنبال اثر آن نگرد.»

وقتی زمان ظهور می‌رسد، مردم می‌فهمند که طولانی

شدن دوره غیبت به علت غفلت و نادانیهای خودشان بوده

است. اگر زودتر آمادگی پیدا می‌کردند، امام ظهور می‌کرد؛

اما به جای اینکه خودشان را اصلاح کنند به رژیمهای فاسد

دل می‌بندند و گمان می‌کنند می‌توانند دردی از دردهای

خود را دوا کنند.

۸

غیبت کوتاه و غیبت طولانی

بعد از شهادت حضرت امام عسکری (ع)، غیبت کوتاه

امام زمان (عج) شروع شد و ۶۹ سال طول کشید. بعد از آن،

غیبت طولانی آغاز شد و تا زمانی که امام ظهور کند ادامه

دارد. در دوره غیبت کوتاه، رابطه مردم با امام به طور کلی قطع نشد. شیعیان می توانستند از طریق نماینده های مخصوص با امام تماس بگیرند، سؤالهای خودشان را با ایشان در میان بگذارند و حتی خودشان وجود مبارک حضرت را زیارت کنند. در حقیقت این ۶۹ سال دوره آمادگی برای غیبت طولانی بود.

در غیبت طولانی رابطه مردم با امام قطع شد. از آن به بعد مسلمانها وظیفه دارند که تا زمان ظهور آن حضرت برای حل مشکلات خود به اشخاص فقیه و آگاه به قانونهای دین، مراجعه کنند.

اگر از اول، غیبت طولانی شروع می شد ممکن بود عدهای گمراه شوند.

در طول شصت و نه سال ذهن مردم کم کم آماده غیبت طولانی شد. در غیبت کوتاه بعضی از شیعیان، امام را به چشم خودشان دیدند، عدهای هم از طریق نماینده های مخصوص آن حضرت، ایشان را ملاقات کردند. اینها باعث شد همه مسلمانها به تولد و زندگی حضرت مهدی (ع) اعتقاد کامل پیدا کنند.

ارتباط مردم با امام زمان در زمان غیبت

نماینده‌های مخصوص امام زمان (عج) پرهیزکارترین مردم روی زمین بودند. همه شیعیان به آنها اعتماد داشتند. در دوره غیبت کوتاه همه، پرسشهای خودشان را به آنها می‌گفتند و جواب امام را از طریق آنها می‌گرفتند. به این ترتیب مردم با امام رابطه داشتند، اما بعضی از کسانی که ایمان بسیار قوی داشتند و بنده شایسته خدا بودند، به وسیله همین نماینده‌ها به خدمت امام می‌رسیدند و ایشان را از نزدیک زیارت می‌کردند.

۱۰

حضرت مهدی (عج) درباره وظیفه مسلمانها در زمان غیبت فرمود: «اگر اتفاق یا مشکلی برای شما پیش آمد از عالمانی که حدیثهای ما را می‌دانند سؤال کنید. آنها حجّت و نماینده من بر شما هستند و من حجّت و نماینده خدا هستم.»

به این ترتیب همه کارهای مربوط به مسلمانها در زمان غیبت طولانی باید زیر نظر ولی فقیه انجام گیرد. هرچند امامان معصوم قبل از این، برای اشخاص فقیه، حق قضاوت و داوری و دادن فتوی را در نظر داشتند؛ اما مقام مرجعیت و

پیشوایی فقیهان از این تاریخ یعنی از شروع غیبت طولانی،
رسمی و قطعی شد و تا ظهور حضرت مهدی (ع) ادامه دارد.

اثرهای خوب غیبت

کسانی که به مهدی (عج) اعتقاد دارند، در دلشان امید و
در سرشان فکر و اندیشه رشد می‌کند. انسانهای درستکار
منتظر هستند که هر لحظه امام ظهور کند. برای همین خود
را آماده می‌سازند، به دیگران ظلم نمی‌کنند، حق کسی را
زیر پا نمی‌گذارند، برای عدالت و برادری تلاش می‌کنند تا از
زیارت امام زمان محروم نشوند و حضرت از آنها راضی
باشد. کسانی که به حضرت مهدی (ع) اعتقاد دارند، مثل
خود او زیر بار هیچ حکومت ظالمی نمی‌روند.

اعتقاد به امام زمان نباید باعث شود که کارهای مهم را به
آینده بسپاریم. نباید از اجتماع دوری کنیم و اجازه بدهیم
کافران و ظالمان اداره کارهای ما را به دست بگیرند؛ بلکه
برعکس، ظهور امام باید به ما امید بدهد تا تلاش کنیم و
هرچه بیشتر به پیشرفتهای بزرگ علمی و صنعتی برسیم و
مشکلات خود را حل کنیم.

در شروع تاریخ اسلام، مردم از رسول خدا شنیده بودند که به زودی اسلام در سرتاسر دنیا پیروزیهای بزرگی به دست می‌آورد. این مژده باعث تنبلی و کناره‌گیری مسلمانها نشد. بلکه تلاش کردند و با فداکاری به هدف و مقصود رسیدند. امروز مسؤولیتهای مهمی به عهده مسلمانهاست که باید با صبر و حوصله به وظیفه خودشان عمل کنند. با هشجاری از فرصتهای مناسب استفاده کنند، در جامعه حاضر باشند. خودشان به دستورهای خدا عمل کنند، دیگران را هم امر به معروف کنند. نگذارند کارهای ناپسند و غلط رواج پیدا کند. همه راههای نفوذ دشمن را ببندند. در برابر حکومتهای فاسد که می‌خواهند از راههای فکری مختلف ما را نابود کنند یا سرنوشتمان را به دست بگیرند، یا اینکه به کشورهای مسلمانان حمله نظامی کنند، از اسلام و مسلمانان دفاع کنیم.

ما باید هرچه بیشتر و بهتر آماده شویم تا لیاقت پیدا کنیم سرباز امام زمان باشیم.

فایده‌های انتظار

حضرت علی (ع) فرمود: «انتظار ظهور مهدی بالاترین عبادت است.»

کسی که منتظر امام زمان (عج) است دلش پر از امید است و می‌داند خداوند روزی نجات بخش جهان را می‌فرستد.

کسی که منتظر امام زمان (عج) است فکر می‌کند که برای آماده کردن حکومت مهدی چه می‌تواند بکند.

کسی که منتظر امام زمان (عج) است مشکلات و گرفتاریها را ساده و کوچک می‌بیند و عقیده دارد، در سایه هر مشکلی آسانی هست (إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا).

کسی که منتظر امام زمان (عج) است دوست دارد، سرباز فداکاری باشد و چون می‌داند که امام زمان (عج) او را می‌بیند، اخلاقش را اصلاح و قلبش را پاک می‌کند.

کسی که منتظر امام زمان (عج) است عقیده دارد به دست حضرت مهدی (عج) قانونهای قرآن اجرا خواهد شد. به همین خاطر قرآن را دوست دارد، آن را تلاوت می‌کند، حفظ می‌کند، به آیاتش عمل می‌کند و به دیگران یاد می‌دهد.

کسی که منتظر امام زمان (عج) است، مثل یک عاشق

سرگردان به دنبال امام می‌گردد و آرزو دارد روی ماهش را ببیند.

کسی که منتظر امام زمان (عج) است آمادهٔ جانبازی در راه آن امام است و فقط منتظر است که امام به او فرمان جهاد بدهد. کسی که منتظر امام زمان (عج) است از همهٔ قدرتها ناامید است و فقط به قدرت خدا دل بسته است.

کسی که منتظر امام زمان (عج) است به غیب و کمکهای آسمانی عقیده دارد.

کسی که منتظر امام زمان (عج) است، می‌داند که این دنیا صاحب دارد.

۱۴

امتحان بزرگ

خداوند مسلمانان را در زمان غیبت امام زمان (عج) امتحان می‌کند، تا معلوم شود آیا در اعتقاداتشان محکم و استوار هستند؟

آیا در مقابل دشمنان مثل شیر می‌خروشند؟
آیا دنیا را برای آمدن امام زمان آماده می‌کنند؟
راستی چه امتحان بزرگی!

امام در میان مردم

از امام پرسیدند: امام غایب برای مردم چه فایده‌ای دارد؟
فرمود: امام زمان (عج) مثل خورشیدی است که پشت ابر
پنهان شده است. امام زمان (عج) به حکم خداوند زنده و
حاضر است. ما را می‌بیند و از حال ما باخبر است. در
مجلسها رفت و آمد دارد و گرفتاریهای مسلمانان را حل
می‌کند. هر سال در مراسم حج شرکت می‌کند. حتی ممکن
است مردم ایشان را ببینند، اما نشناسند. امام همه را می‌بیند
و می‌شناسد و بعضی از بنده‌های پاک و شایسته خدا را مورد
محبت و لطف خودش قرار می‌دهد. عده‌ای از مردم
معجزه‌ها و چهره نورانی آن امام عزیز را از نزدیک دیده‌اند و
مشکلات آنها به دست مبارک آن حضرت حل شده است.

۱۵

یک داستان شنیدنی (۱)

مرد جوانی به اسم شمس‌الدین از قول پدرش اسماعیل

۱- این داستان در یکی از کتابهای مهم اسلامی به نام کشف
الغمه آمده است. داستان در حدود هزار سال پیش در یکی از
شهرهای عراق اتفاق افتاده است.

هرقلی این طور تعریف می‌کند:

پدرم وقتی جوان بود در ران چپ او دُمّلی پیدا شد، خون و چرک از آن بیرون می‌آمد و بسیار درد داشت. این درد او را از کار و زندگی بازداشته بود. پدرم اسماعیل با آن وضع به خدمت سید بن طاووس که از بزرگان شیعه بود، رفت و از او چاره این درد را خواست. سید چند پزشک جراح را آورد. آنها زخم را دیدند. همگی گفتند: «هیچ درمانی ندارد، جز اینکه پایش را قطع کنند و اگر پایش قطع شود خواهد مرد و این کار خطرناک است. ما هم چنین کاری را انجام نمی‌دهیم. سید بن طاووس به پدرم اسماعیل گفت: ناراحت نباش من می‌خواهم به بغداد بروم تو هم با من بیا. شاید پزشکان بغداد تشخیص دیگری بدهند و راهی پیدا کنند.» آنها با هم به بغداد رفتند. پزشکان آن جا هم، همین تشخیص را دادند و گفتند «ما از عهده این جراحی بر نمی‌آییم.» پدرم اسماعیل خیلی غمگین و ناراحت شد، اما سید بن طاووس به او گفت: صبر داشته باش. تحمل این درد بدون اجر و ثواب نمی‌ماند. پدرم اسماعیل وقتی دید از دست هیچ کس کاری بر نمی‌آید، داشت ناامید می‌شد، اما سید بن طاووس به او فرمود: «ما در

این دنیا امام زمان (عج) را داریم و می‌توانیم برای حل مشکلات خود به در خانه این آقای مهربان برویم و خدا را به حق آن حضرت قسم بدهیم. به شهر سامرا برو و حرم امام هادی (ع) و امام عسکری (ع) را زیارت کن و از امامان شفا بخواه.»

پدرم اسماعیل تنها از بغداد به سامرا حرکت کرد. او می‌گفت: بعد از اینکه حرم این دو امام را زیارت کردم به سردابه^(۱) رفتم. در آنجا تا صبح به درگاه خدا گریه کردم و نالیدم و از امام زمان کمک خواستم. وقتی صبح شد، کنار دجله رفتم. لباسم را شستم. غسل زیارت کردم. ظرفی که همراه داشتم پر از آب کردم و برگشتم تا دوباره زیارت کنم. در راه چهار سوار را دیدم. چون عده‌ای از بزرگان و اشراف در اطراف زیارتگاه خانه داشتند، فکر کردم از آنها هستند. از آن چهار نفر دو جوان شمشیربه‌کمر بودند. که تازه موی صورتشان روئیده شده بود. یک پیرمرد با سر و وضع مرتب

۱- مکانی است در حرم امام هادی (ع) و امام عسکری (ع) که امام زمان (عج) در آنجا نیز مشاهده شده است.

که نیزه‌ای در دست داشت. نفر چهارم، شمشیری به کمر بسته بود و لباس مخصوصی به تن داشت. دنبالهٔ عمامه‌اش را از زیر چانه و گلو گذرانده به پشت انداخته بود. پیرمرد در سمت راست و دو مرد جوان در سمت چپ او ایستاده بودند. آنها به من سلام کردند. جواب سلام آنها را دادم. مردی که عمامه بر سر داشت پرسید: «فردا به شهر خودت برمی‌گردی؟»
گفتم بله!

گفت: «نزدیک بیا تا ببینم چه چیزی تو را آزار می‌دهد.»
یادم آمد مردم صحرائشین از نجاست دوری نمی‌کنند. من غسل زیارت کرده بودم و لباسم خیس بود فکر کردم بهتر است، دستش به من نرسد. در همین فکر بودم که او خم شد. مرا به طرف خودش کشید. دستش را روی زخم گذاشت و فشار داد، به طوری که به شدت احساس درد کردم. بعد پیرمرد گفت: «اسماعیل نجات پیدا کردی» از اینکه آن پیرمرد اسم مرا گفت، تعجب کردم. همان شیخ دوباره گفت: «خلاص شدی، نجات پیدا کردی.» در این فکر بودم که این آقا کیست که هم از درد من باخبر است و هم اسم مرا می‌داند! در آن لحظه پیرمرد گفت: این آقا امام زمان است.

من دویدم ران و رکابش را بوسیدم. امام حرکت کرد. من پشت سرش می‌رفتم و بی‌تابی می‌کردم. امام فرمود برگرد خیر و صلاح تو در این است که برگردی.

ایستادم. آنها چند قدم دور شدند. امام سرش را برگرداند و فرمود، وقتی به بغداد رسیدی، مستنصر - خلیفه عباسی - دستور می‌دهد تو را پیش او ببرند. هدیه‌ای به تو می‌دهد. هدیه‌اش را قبول نکن. به فرزندم سید بن طاووس بگو نامه‌ای درباره‌ی تو به «علی بن عَرَض» بنویسد. من به او سفارش می‌کنم. هرچه احتیاج داری در اختیار بگذارد.»

۱۹

من همان جا آنقدر ایستادم تا آنها کاملاً دور شدند. ساعتی نشستم و افسوس خوردم. بعد از آن به زیارتگاه برگشتم. مردم وقتی مرا دیدند پرسیدند: چرا حالت تغییر کرده است، از چیزی رنج می‌بری؟ گفتم نه. گفتند با کسی دعوا کرده‌ای؟ گفتم نه. من از آنها پرسیدم آیا شما سوارانی را که از اینجا می‌گذشتند دیدید؟ آنها گفتند: از اشراف و بزرگان همین اطراف بودند.» گفتم: از بزرگان نبودند یکی از آنها امام بود. پرسیدند: آن شیخ یا کسی که عمامه داشت؟ گفتم: آن که عمامه داشت. پرسیدند: زخم رانت را به او نشان دادی؟

گفتم بله، زخم را فشار داد و احساس درد کردم. مردم ران مرا نگاه کردند، ولی اثری از زخم ندیدند. باورم نمی شد. ران دیگرم را نگاه کردم زخمی نبود. مردم هجوم آوردند و پیراهن مرا پاره کردند. چیزی نمانده بود که زیر دست و پای آنها جان بدهم. سر و صداها به گوش مردی که مأمور خلیفه بود رسید. او همه ماجرا را شنید و رفت تا گزارش بدهد. شب در سامرا ماندم و صبح حرکت کردم. روز بعد به بغداد رسیدم. جمعیت زیادی را دیدم که روی پل ایستاده بودند و هر کسی از راه می رسید، اسم و نسب او را می پرسیدند. وقتی من به آنها رسیدم و نامم را شنیدند به من هجوم آوردند، لباسی را که دوباره پوشیده بودم پاره پاره کردند. نزدیک بود از بین بروم که سید بن طاووس با عده ای از راه رسید. مردم را کنار زد. مأموران خلیفه ماجرا را خبر داده بودند. سید پرسید: مردی که می گویند شفا یافته است و در شهر غوغا بپا کرده است، تو هستی؟ گفتم بله. از اسب پایین آمد. به ران من نگاه کرد، چون زخم مرا قبلاً دیده بود و حالا اثری از آن ندید بیهوش شد. وقتی به هوش آمد گفت: وزیر، مرا خواست و گفت «از سامرا چنین خبری به من داده اند و

می‌گویند این شخص با تو رابطه دارد. زود خبر او را به من برسان» سید مرا نزد وزیر برد و گفت این مرد برادر و از نزدیکترین یاران من است. وزیر امر کرد ماجرا را برایش بگویم. من هم همه چیز را از اول تا آخر برایش گفتم. وزیر در همان موقع دستور داد پزشکان و جراحان آمدند. از آنها پرسید: آیا شما زخم این مرد را قبلاً دیده‌اید؟ گفتند: بله. پرسید: دواي آن چه بود؟ گفتند برداشتن و بریدن زخم که در آن صورت شک داشتیم مریض زنده بماند. پرسید: اگر مریض نمی‌مرد. چه مدت طول می‌کشید تا جای زخم خوب شود؟ گفتند: دو ماه، بعد از آن جای زخم سفید می‌شد و از آن جا مو نمی‌روید. پرسید: چند روز قبل این مرد را دیده‌اید؟ گفتند: ده روز.

وزیر دستور داد پای مرا ببینند. آنها به ران من نگاه کردند. هیچ اثری از زخم ندیدند. یکی از پزشکان که مسیحی بود فریاد زد: «به خدا قسم، این شفا یافتن نیست. بلکه شبیه به معجزه‌های حضرت عیسی (ع) است.» وزیر گفت: «چون هیچ کدام از شما این کار را انجام نداده‌اید من می‌دانم عمل چه کسی است.»

وقتی خلیفه - مُسْتَنْصِر - هم از موضوع با خبر شد. امر کرد مرا پیش او ببرند. من ماجرا را برای او نیز تعریف کردم. خلیفه کیسه‌ای را که هزار دینار در آن بود، حاضر کرد و گفت: این مبلغ را برای خودت خرج کن. گفتم: «نمی‌توانم قبول کنم، پرسید از چه کسی می‌ترسی؟ گفتم امام فرموده است از خلیفه چیزی قبول نکن» خلیفه ناراحت شد و گریه کرد.

بعد از این ماجرا اسماعیل هر قلی سالی یک بار به بغداد می‌آمد و به سامرا می‌رفت. آنجا می‌ماند و گریه می‌کرد. آرزویش این بود که یک بار دیگر امام زمان را ببیند. چهل بار به زیارت سامرا رفت، عاقبت حسرت دیدن دوباره امام به دلش ماند و از دنیا رفت.

۲۲

وقت ظهور

امام زمان (عج) در پایان دوره غیبت طولانی به فرمان خدای بزرگ ظهور می‌کند. روایتهایی از یازده امام درباره ظهور حضرت مهدی (ع) باقی مانده است. از این روایتها معلوم می‌شود که حضرت به دستور خدا در مکه کنار کعبه

ظهور می‌کند.

پرچم، عمامه و پیراهن پیغمبر را با خودش دارد و فرشتگان به او کمک می‌کنند. حضرت مهدی (ع) با حالتی خشمگین و خونخواه قیام می‌کند. دشمنان خدا و اسلام را از بین می‌برد. از ستمگران انتقام می‌گیرد.

یاران خاصّ امام زمان (عج) سیصد و سیزده نفر هستند. آنها در مکه با حضرت بیعت می‌کنند. مدّتی نیز همان جا می‌مانند و بعد همراه امام به مدینه می‌روند. آنها مردانی جنگجو، شجاع، با ایمان، نمازگزاران شب و شیران روز هستند.

۲۳

دستورهای رهبر و پیشوای خود را با جان و دل گوش می‌کنند. آنها به هر جا بروند پیروز می‌شوند.

امام بعد از چند جنگ در مدینه به عراق و کوفه می‌رود. عیسی مسیح (ع) از آسمان به زمین می‌آید و پشت سر امام نماز می‌خواند.

مرکز حکومت امام زمان (عج) شهر کوفه است. امام در سرتاسر جهان حکومت اسلامی برقرار می‌کند. دین را زنده می‌کند. نادرستیها را از بین می‌برد، با قانون قرآن و سنّت

پیغمبر حکومت نو تشکیل می دهد. امام زمان (عج) مثل حضرت علی (ع) غذای ساده می خورد و لباس زبر و خشن می پوشد. در زمان حکومت امام، برکتهای زمین بسیار و نعمت و محصول فراوان می شود. فقر و تنگدستی از بین می رود. همه در آسایش زندگی می کنند. به طوری که دیگر فقری پیدا نمی شود تا خمس و زکات و صدقه را به او بدهند. مؤمنان به عشق امام به کوفه می روند و در آن جا زندگی می کنند. برای کسانی که پشت سر امام نماز می خوانند، مسجد بسیار بزرگی می سازند که هزار در دارد. در حکومت امام دنیا پر از عدالت و امنیت می شود. اگر پیرزنی، ظرفی از طلا بر روی سرش بگذارد و تنها و پیاده از شهری به شهر دیگر برود، هیچ کس مزاحم او نمی شود. کسی هم به طلاهای او طمع نمی کند. زمین همه گنجهایی را که در خود پنهان دارد به امام نشان می دهد. امام همه ویرانیها را برای ستمدیده ها آباد می کند. در زمان ظهور امام زمان (عج) به لطف خدا، عقل انسانها کامل می شود.

حضرت مهدی (عج) به روش حضرت داوود (ع) و حضرت محمد (ص) میان مردم حکم می کند. هر کاری،

رسول خدا (ص) انجام می داد او هم انجام می دهد. مثل پیغمبر (ص) کارهای زشت، غلط و سنتهای جاهلی را از بین می برد و اسلام دوباره زنده می شود.

وظیفه ما در زمان غیبت

۱- بهتر است شیعیان این دعا را بخوانند که دین آنها را محکم و استوار نگه می دارد: يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ تَبَّتْ قَلْبِي عَلَيَّ دِينِكَ. یعنی ای خدای بخشنده، ای مهربان ای دگرگون کننده قلبها. دل مرا بر دین خودت استوار نگه دار.

۲۵

۲- علمای دین و ولی فقیه نماینده امام زمان (عج) هستند. به نمایندگان آن حضرت احترام بگذاریم و از آنها اطاعت کنیم.

۳- برای سلامت حضرت مهدی (عج) دعا کنیم و صدقه بدهیم.

۴- برای حضرت صلوات بفرستیم و از خدا بخواهیم ظهور ایشان را نزدیکتر کند. امام زمان (ع) می فرماید: «برای فرج ما بسیار دعا کنید. چون گشایش کار شما در آن است.»

- ۵ و ۶- روزهای جمعه، عید غدیر، عید فطر و عید قربان
دعای ندبه بخوانیم و در فراق امام زمان (عج) اشک بریزیم.
- ۷- هر وقت نام حضرت را می‌شنویم از جایمان بلند
شویم و بایستیم.
- ۸- هر دعایی می‌خوانیم حضرت مهدی (ع) را در نظر
داشته باشیم.
- ۹- در گرفتاریها و کارهای مهم به امام زمان (عج) متوسل
شویم.
- ۱۰- به مسجد جمکران قم برویم و نماز امام زمان (عج) را
در آنجا بخوانیم.
- ۱۱- بهتر است ثواب کارهای خوب خود را به امام هدیه
کنیم، مثل تلاوت قرآن، ثواب حج عمره، طواف و زیارت
حرم امامان.
- ۱۲- هر چند در همه جا و در همه وقت توبه کردن واجب
است، با این حال چون یکی از دلیلهای طولانی شدن غیبت

گناهان ماست، باید بیشتر توبه کنیم.

۱۳- همیشه مردم را به یاد امام زمان بپندازیم.

رفتار و کارهای هر یک از شیعیان باید تبلیغی برای دین آن حضرت باشند. برنامه‌های دینی را رواج دهیم. در مجلسهای مذهبی شرکت کنیم. به کسانی که این مجلسها را برگزار می‌کنند کمک کنیم.

ما منتظر ظهور حضرت مهدی (عج) هستیم پس باید برنامه زندگیمان طوری باشد که امام از ما راضی شود. رفتار ما باید نشان بدهد که ما حکومت و عدالت آن حضرت را می‌خواهیم. اگر قانون دین را زیر پا بگذاریم، به دستورهای خدا، پیغمبر و امام بی‌اعتنا باشیم، بعد بگوییم ما منتظران امام زمان هستیم، دعای ما قبول نمی‌شود.

والسلام

پایان

حضرت محمد (ص) به فرمان پروردگار اعلام کردند: « من آخرین فرستاده خدا هستم و پس از اسلام دیگر آیینی الهی و آسمانی به انسان عرضه نخواهد شد. تنها برای اینکه همیشه یک امام و یک نمونه کامل انسان در روی زمین وجود داشته باشد و گفتار و کردارش روشنگر قرآن و راهنمای مسلمانان شود، دوازده امام را به عنوان جانشینان خود معرفی می کنم که اول آنها حضرت علی علیه السلام و آخر آنها حضرت مهدی علیه السلام است.»

۲۸

خواننده عزیز برای اینکه از عقیده و نظر شما درباره مطالب این کتاب آگاه شویم، لطفاً به آدرس زیر با ما مکاتبه کنید:

تهران: خیابان ولی عصر، سه راه جمهوری، کوچه شهید رجب بیگی

دفتر تحقیق و تألیف کتب درسی سازمان نهضت سوادآموزی